

نویسنده: یازان زروور انیل شیلن (Y.Z. Annel Sheline).
منبع و تاریخ نشر: ریسپونسیبل ستیت گرفت «2026-08-28».
برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل».

آیا ترامپ در توافق هسته‌ای خودش با عربستان سعودی، قرص سمی ریخت؟

*Did Trump put a poison pill in his own
Saudinuclear deal?*

به نظر می‌رسد دولت هر دو طرف را می‌خواهد، اما نه ریاض
و نه اسرائیل احتمالاً با شرایط لازم برای تحقق این امر موافقت
نخواهند کرد

*The administration seems to want it both ways but neither
Riyadh or Israel will likely get on board with conditions to
make this happen*

این هفته، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، توافق‌نامه همکاری هسته‌ای غیرنظامی
میان ایالات متحده و عربستان سعودی را برای بررسی به کنگره ارائه کرد؛ اقدامی که
این توافق را به پیش می‌برد، هرچند او همچنان تأکید دارد که عربستان پیش از اجرایی
شدن این توافق، باید روابط خود را با اسرائیل عادی‌سازی کند.

این شرط می‌تواند اجرای توافق را برای مدتی نامعلوم متوقف کند: ریاض پیش از
عادی‌سازی روابط، خواهان ترسیم مسیری روشن به سوی تشکیل کشور مستقل فلسطینی

است، حال آنکه اسرائیل به شدت با تشکیل چنین کشوری مخالف است. اسرائیل با مفاد اولیه این توافق به شدت مخالفت کرده بود، اما بنیامین نتانیاهو در محافل خصوصی ابراز امیدواری کرده بود که با تحقق عادی سازی روابط با عربستان پیش از انتخابات ماه اکتبر اسرائیل، به دستاوردی بزرگ و تعیین کننده دست یابد. مایکل رتنی، سفیر پیشین آمریکا در عربستان، اقدام ترامپ در گنجانیدن موضوع عادی سازی روابط در «لحظات آخر» را عاملی توصیف کرد که این توافق را در هاله ای از ابهام فرو برده است.

تصمیم ترامپ برای ارجاع این توافق به کنگره جهت بررسی، بر این ابهام می افزاید. به نظر می رسد رئیس جمهور می خواهد همزمان هر دو رویکرد را پیش ببرد: اقدام اخیر او پیامی به ریاض است مبنی بر اینکه روند توافق در جریان است، و در عین حال به تل آویو اطمینان می دهد که نهایی شدن این معامله مشروط به عادی سازی روابط است.

آنچه بر سر درگمی ها می افزاید، زمان بندی این توافق است. همان طور که چهار تن از نمایندگان دموکرات کنگره ماه گذشته خاطرنشان کردند، ترامپ برای جلوگیری از غنی سازی اورانیوم توسط ایران، عملاً علیه این کشور وارد جنگ شد، اما اکنون آماده است تا امکان انجام همین کار را برای عربستان سعودی فراهم کند. آن ها نوشتند: «این تناقض باعث می شود سیاست آمریکا غیر قابل اعتنا جلوه کند و هرگونه شانس دستیابی به توافقی پایدار با ایران را تضعیف نماید.» استاندارد دی که چندان هم «طلایی» نیست

بر اساس بیانیه کریس رایت، وزیر انرژی آمریکا، این توافق هسته ای با هدف تأمین نیازهای داخلی عربستان به انرژی تدوین شده است. طبق برنامه اقتصادی ولیعهد محمد بن سلمان، این کشور از انرژی هسته ای برای تولید برق استفاده خواهد کرد تا بدین ترتیب نفت بیشتری برای فروش در بازارهای جهانی آزاد شود و از مصرف داخلی آن کاسته گردد.

این توافق به شرکت های آمریکایی اجازه می دهد تا برای ایفای نقشی محوری در توسعه زیرساخت های هسته ای عربستان با یکدیگر رقابت کنند. حامیان این طرح استدلال می کنند که دسترسی به بازار هسته ای عربستان می تواند ده ها میلیارد دلار درآمد تجاری و هزاران فرصت شغلی برای آمریکایی ها ایجاد کند. علاوه بر این، همکاری عربستان در حوزه هایی همچون تولیدات پیشرفته، نیمه رساناها، هوش مصنوعی و مواد معدنی حیاتی برای واشنگتن اهمیت فزاینده ای دارد؛ چرا که ایالات متحده در پی ایمن سازی زنجیره های تأمین حیاتی، حفظ برتری فناورانه خود، جذب سرمایه گذاری عربستان و محدود کردن نقش رو به رشد چین در عرصه جهانی است. واشنگتن همچنین نگران است که اگر از برآورده کردن جاه طلبی های هسته ای عربستان سعودی خودداری کند، ریاض ممکن است به روسیه یا چین روی آورد؛ کشورهایی که شاید همکاری هایی با محدودیت های کمتر در زمینه عدم اشاعه تسلیحات هسته ای پیشنهاد دهند. چین در گذشته کمک های هسته ای را تحت شرایطی ارائه کرده که واشنگتن آن ها را نمی پذیرفت (از جمله کمک به برنامه هسته ای پاکستان)، هرچند پکن از آن زمان سیاست های خود در زمینه عدم اشاعه را تقویت کرده است.

روسیه نیز به همین ترتیب در نظام بین‌المللی عدم اشاعه مشارکت دارد و برای صادرات هسته‌ای غیرنظامی، اعمال پادمان‌ها را الزامی می‌داند، اما همکاری‌های این کشور مشمول الزامات قانونی سخت‌گیرانه‌تر ایالات متحده نیست.

در هر صورت، به نظر می‌رسد ریاض مصمم است فارغ از مشارکت ایالات متحده، برنامه هسته‌ای خود را توسعه دهد. عربستان سعودی پیش‌تر از شرکت‌های روسی، چینی، فرانسوی و کره جنوبی برای ساخت دوراکتور اول نیروگاه هسته‌ای خود درخواست پیشنهاد کرده است؛ اقدامی که تأکید می‌کند برنامه‌های هسته‌ای این کشور وابسته به مشارکت ایالات متحده نیست. این فشار، همراه با تعهد ریاض مبنی بر دستیابی به سلاح هسته‌ای در صورت ساخت چنین سلاحی توسط تهران، واشنگتن را به سمت پیگیری همکاری هسته‌ای با عربستان سعودی سوق داده است؛ در واقع، چنین گفتگوهایی از زمان دولت جورج دبلیو بوش در جریان بوده است.

به نظر می‌رسد ترامپ آماده است برخی از شرایط عدم اشاعه را برای عربستان سعودی تعدیل کند؛ از جمله شرطی که پادشاهی سعودی را ملزم به صرف نظر از غنی‌سازی و بازآوری در داخل کشور می‌کند. اگرچه دولت ترامپ «توافق‌نامه بخش ۱۲۳» را با عربستان سعودی امضا کرد (که چارچوب قانونی الزامی طبق «قانون انرژی اتمی» برای همکاری‌های هسته‌ای غیرنظامی قابل توجه ایالات متحده با کشوری دیگر محسوب می‌شود)، اما این توافق شامل «پروتکل الحاقی» آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نمی‌شد.

پروتکل الحاقی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی فراتر از آنچه قانون ایالات متحده الزامی کرده است، عمل می‌کند و بازرسی‌های کامل از تمام سایت‌های هسته‌ای اعلام‌شده و اعلام‌نشده را الزامی می‌کند و کشور متقاضی را ملزم به صرف نظر کردن از فناوری‌های سوخت هسته‌ای می‌کند که می‌توانند برای تولید اورانیوم یا پلوتونیوم درجه تسلیحاتی استفاده شوند. توافق هسته‌ای ایالات متحده در سال ۲۰۰۹ با امارات متحده عربی، ابوظبی را ملزم به اجرای پروتکل الحاقی و تعهد جداگانه به صرف نظر کردن از غنی‌سازی داخلی و بازآوری سوخت هسته‌ای مصرف‌شده می‌کرد. این توافق «استاندارد طلایی» برای توافقات هسته‌ای غیرنظامی محسوب می‌شود.

چنین استانداردهایی در توافق عربستان سعودی وجود ندارد. منتقدان هشدار می‌دهند که این پادمان‌ها برای جلوگیری از غنی‌سازی یا توسعه تسلیحات در آینده توسط عربستان سعودی کافی نیستند. ایالات متحده و عربستان سعودی سال گذشته یک توافق پادمان دوجانبه برای پوشش تأسیسات حساس چرخه سوخت امضا کردند. دو کشور قصد دارند از رویکرد «جعبه سیاه» استفاده کنند که در آن فناوری غنی‌سازی از نظر فیزیکی مهر و موم شده و برای پرسنل سعودی غیرقابل دسترسی است تا از فناوری حساس محافظت

کنند. اگرچه ترامپ اظهار داشت که «هیچ غنی‌سازی وجود نخواهد داشت»، اما هیچ چیز در این توافق این را دائمی نمی‌کند.

بین ریاض و تل آویو پس از اعلام این توافق، مارکو روبيو، وزیر امور خارجه، گفت که ایالات متحده «با هیچ کشوری در جهان که منجر به خطر اشاعه شود، به توافقی نخواهد رسید.»

با این حال، تقریباً بلافاصله، رهبران و سیاستمداران اسرائیلی از این توافق انتقاد کردند و ادعا کردند که به عربستان سعودی اجازه می‌دهد سلاح‌های هسته‌ای تولید کند که امنیت اسرائیل را تهدید می‌کند. آویگدور لیبرمن، وزیر دفاع سابق، هشدار داد که این توافق می‌تواند به یک مسابقه تسلیحات هسته‌ای منطقه‌ای منجر شود و از اسرائیل خواست تا برای متوقف کردن این توافق، کنگره را لابی کند. ترامپ روز بعد در برنامه Truth Social با اعلام اینکه پادشاهی باید به توافق آبراهام بپیوندد تا این توافق در جریان باشد، واکنش نشان داد، اعلامیه‌ای که مورد استقبال اسرائیلی‌ها قرار گرفت.

تمایل ترامپ برای به خطر انداختن توافقی که به نظر می‌رسد با معرفی شرطی مرتبط با اسرائیل می‌خواهد، نشان دهنده تأثیر ترجیحات اسرائیل بر تصمیم‌گیری اوست.

مقامات سعودی توافق هسته‌ای را به عنوان توافقی سودمند برای هر دو طرف می‌دانند و برای جدا کردن آن از عادی‌سازی روابط با اسرائیل تلاش کرده‌اند. دوره بررسی ۹۰ روزه از زمانی آغاز می‌شود که این توافق به کنگره ارائه شده است. مگر اینکه کنگره قطعنامه مشترکی را برای رد آن تصویب کند، این توافق می‌تواند بدون رأی مثبت اجرا شود. علیرغم نگرانی‌های دو حزبی در مورد ضمانت‌های آن، بعید است که مخالفان اکثریت لازم برای وتو کردن آن را داشته باشند. تصمیم ترامپ برای ارائه توافق به کنگره ضمن حفظ شرط عادی‌سازی، آینده آن را نامشخص می‌کند. به نظر می‌رسد ترامپ قصد دارد همکاری هسته‌ای با ریاض را پیش ببرد، اما این همکاری را به عادی‌سازی روابط گره زده است که با توجه به مواضع فعلی عربستان و اسرائیل بعید به نظر می‌رسد.

اسرائیل تنها منبع مخالفت با این توافق نیست، زیرا جامعه منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای و قانونگذاران هر دو حزب نگرانی‌های مستقلی را در مورد غنی‌سازی و پادمان‌های این توافق مطرح کرده‌اند. با این حال، تصمیم ترامپ برای معرفی عادی‌سازی پس از مخالفت اسرائیل نشان می‌دهد که ترجیحات اسرائیل همچنان بخش مهمی از محاسبات واشنگتن است. اینکه آیا این توافق در نهایت پابرجا می‌ماند یا خیر، اکنون ممکن است به این بستگی داشته باشد که دولت برای کدام رابطه استراتژیک ارزش بیشتری قائل است: عربستان سعودی یا اسرائیل.

سطری چند در مورد نویسنده این مقاله :

بیازن زُرور یازن زُرور کارآموز پژوهشی در «برنامه خاورمیانه» مؤسسه کونینسی برای حکمرانی
مسئولانه (Quincy Institute for Responsible Statecraft) و دانشجوی کارشناسی ارشد رشته
مطالعات عرب در دانشکده خدمات خارجی دانشگاه جورج تاون است. علایق پژوهشی او شامل
سیاست ایالات متحده در قبال خاورمیانه، مسئله فلسطین، امنیت منطقه‌ای و عدم اشاعه هسته‌ای
می‌شود.

----- با تقدیم احترام «2026-09-15»

.....